



فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۳۲، بهار ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۱۷۵-۱۵۱

معرفی نسخه‌های کتاب سفینه‌الاولیاء اثر داراشکوه و ضرورت تصحیح آن^۱

فاطمه محمودی^۲

مریم حسینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

چکیده

کتاب «سفینه‌الاولیاء» اثر محمد داراشکوه (۱۰۲۴ - ۱۰۶۹ هـ ق)، به‌عنوان یکی از تذکره‌های ارزشمند عارفان، دربردارنده اطلاعات درخوری درباره صوفیه، فرقه‌ها و نحله‌های آن، از آغاز پیدایش تا عهد مؤلف است و در ساحت پژوهش‌های تاریخی تصوف، اهمیت بسیاری دارد. از این اثر، چندین نسخه خطی و یک نسخه چاپ سنگی به دست آمده که تاکنون مورد مطابقت، تدقیق و تصحیح قرار نگرفته‌اند. با توجه به اینکه اثر یادشده، از جهت اشتغال بر اطلاعات تاریخی صوفیه، به‌ویژه اطلاعات دست‌اول از برخی صوفیة معاصر مؤلف، زاویه دید و شیوه نگارش نویسنده در طبقه‌بندی صوفیه، تأملات زبانی و جنبه‌هایی دیگر، اهمیت بالایی دارد و تاکنون به چاپ نرسیده، ارائه نسخه‌ای تصحیح‌شده همراه با فهرست‌ها و تعلیقاتی درباره محتوای آن ضرورت دارد. در این پژوهش، علاوه بر

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jml.2022.41191.2377

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20089384.1402.15.32.6.6

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.

f.mahmoudi@alzahra.ac.ir

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول): drhoseini@alzahra.ac.ir

۱۵۲ / معرفی نسخه‌های کتاب سفینه‌الاولیاء اثر داراشکوه و ضرورت تصحیح آن / محمودی و ...

معرفی برخی از نسخه‌های موجود کتاب سفینه‌الاولیاء، به بررسی پاره‌ای از ویژگی‌های زبانی، ادبی، محتوایی و رسم‌الخط اثر و نیز بیان دلایل ضرورت تصحیح آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: متون صوفیانه، تذکره‌های عارفان، تصحیح متن، نسخه خطی، داراشکوه، سفینه‌الاولیاء.

۱- مقدمه

۱-۱ داراشکوه

محمد داراشکوه، عارف، نویسنده و محقق قرن یازدهم است که در سال ۱۰۲۴ ه.ق در اجمیر هند زاده شد. پدرش، شاه جهان، چهارمین پادشاه از سلسله گورکانیان هند بود و مادر او، بانو بیگم، نجیب‌زاده‌ای ایرانی‌تبار که شاه جهان بنای «تاج‌محل» را به یاد او بر فراز مقبره‌اش ساخت (ر.ک: ابراهیم، ۱۳۹۸: ۲۳/ ذیل داراشکوه).

داراشکوه از شش یا هفت سالگی تحت تعلیم ملا عبداللطیف سلطان‌پوری قرار گرفت و سپس علوم ظاهری را نزد میرک شیخ فصیح‌الدین هروی فراگرفت. داراشکوه علاوه بر تسلط به زبان‌های فارسی، عربی، سنسکریت و اردو، در هنرهای خوشنویسی و نقاشی نیز مهارت یافت. وی همچنین نمونه‌هایی از کار خوشنویسان و نقاشان معاصرش را در کتابی به نام مرقع گلشن فراهم آورد و مقدمه‌ای بر آن نوشت (ر.ک: حجتی: ۱۳۸۰: ۴/۲/۱۱۱۴).

شاهزاده گورکانی که از نوجوانی فرازونشیب‌های قدرت و حکومت را چشیده بود - از جمله به گروگان گرفته شدن در یازده سالگی -، چندان که شوق غور در عوالم صوفیان مسلمان و هندو را داشت، سودای کسب قدرت در سر نمی‌پروراند. او در نوزده سالگی به همراه پدر در لاهور به دیدار میان‌میر - که به طریق اویسی از عبدالقادر گیلانی تربیت یافته بود - می‌رود و در مجلس دوم آثار شوق و ارادت نسبت به او و طریقه عرفانی وی را در دل خود می‌یابد (داراشکوه: ۱۳۴۴: ۵۱ و ۵۲).

داراشکوه همچنین در سال ۱۰۴۹ ه.ق با ملاشاه در کشمیر ملاقات کرد و تحت تعلیم و ارشاد وی قرار گرفت و به واسطه وی به سلسله قادریه وارد شد (ر.ک: نوشاهی: ۱۳۸۵: ۴۷۷). وی مرید خاص ملاشاه بوده و این رابطه ظاهری و باطنی بین ملاشاه و داراشکوه به

کمال در صورت حال و قال رسیده بود. (لاهوری، ۱۹۷۱.م: ۲۳۰).

اما شاهزاده هندی، به رغم گرایش‌های صوفیانه و تعلق خاطر به هم‌صحبتی با اهل تصوف، از پرداختن به امور حکومتی نیز فارغ نبود و علی‌رغم ناکامی در حکمرانی بر پنجاب و...، همچنان از جانب پدر بر منصب ولیعهدی باقی ماند و موجب رشک برادر خود -اورنگ زیب- شد. در سال ۱۰۶۷ هـ.ق به هنگام بیماری شاه جهان، میان پسران وی جنگ بر سر قدرت در گرفت و اورنگ زیب پس از قتل دو برادرش قصد داراشکوه کرد و سرانجام در ۲۱ ذی‌حجه ۱۰۶۹ هـ.ق او را به بهانه خارج شدن از دین اسلام به قتل رسانید.

۱-۲ آثار داراشکوه

آثار داراشکوه را می‌توان از جهت محتوا به دو دسته تقسیم کرد: ۱- آثار وابسته به فرهنگ اسلام. ۲- آثار وابسته به فرهنگ هندو (ر.ک: داراشکوه، مقدمه جلالی نائینی، ۱۳۴۴: بیست و پنج):

۱- سفینه‌الاولیاء؛ نخستین اثر داراشکوه که در رمضان سال ۱۰۴۹ هـ.ق به انجام رسیده است.

۲- سکینه‌الاولیاء؛ در بیان احوال مشایخ سلسله قادریه که در سال ۱۰۵۲ هـ.ق تألیف و تا سال ۱۰۵۹ تکمیل شده است. این اثر در سال ۱۳۴۴ هـ.ش در ایران به کوشش محمدرضا جلالی نائینی و دکتر تارا چند به چاپ رسیده است.

۳- رساله حق نما؛ نگاشته‌ای عرفانی است در باب عوالم ناسوت، ملکوت، جبروت و لاهوت و رؤیت رب‌الارباب و وحدت وجود. نگارنده، خود آن را تکمله‌ای بر فتوحات مگّیه، فصوص‌الحکم، سوانح‌العشاق، لویح، لمعات و لوامع می‌پنداشته است. این اثر در سال ۱۳۳۵ هـ.ش همراه با مجمع‌البحرین و اوپانیشاد، با عنوان «منتخبات آثار» به کوشش جلالی نائینی چاپ شده است.

۴- حسنات‌العارفین؛ مجموعه‌ای است از شطحیات عرفا که داراشکوه تألیف آن را در ۱۰۶۲ هـ.ق آغاز و در سال ۱۰۶۴ به انجام رسانیده است.

از ارزشمندی‌های این اثر آن است که بعضی مشایخ معاصر داراشکوه، شطحیات خود را یا خود برایش نوشته‌اند، یا این که مؤلف از زبان آنان شنیده و نقل کرده است. وی در پایان کتاب می‌نویسد: «برخی از سالکین خواسته‌اند در این اثر شطح‌های خود را نیز قید نمایم؛

ولی به این جمله به ایشان پاسخ می‌دهم که شطح من این است که تمام شطح‌های مندرج در این کتاب، از آن من است!» (ر.ک: داراشکوه، مقدمه جلالی نائینی، ۱۳۳۵: ۱۵).

۵- مجمع‌البحرین؛ رساله‌ای است در مقایسه عقاید آیین هندو و اسلام که در سال ۱۰۶۵ ه.ق تألیف شده است. مؤلف کتاب را به ۲۲ باب تقسیم کرده و در این باب‌ها به زمینه‌های مختلف آیین هندی و اسلامی مانند: عناصر پنجگانه، حواس، عوالم اربعه، روح، رؤیت، نور، برهماندا و... پرداخته است. «این اثر، بیش از آنچه در برخورد اول به نظر می‌آید دارای اهمیت است؛ نه تنها از نظر اهمیت تاریخی آن - که مؤلف را از پیشگامان علم ادیان تطبیقی معرفی می‌کند - بلکه از جهت بینش جهانی داراشکوه که ناشی از این اعتقاد راسخ است که حقیقت یکی است؛ منتها در شکل‌های مختلف، پوشیده از ویژگی‌های ضروری هر دین ظاهر می‌شود.» (شایگان، ۱۳۸۴: ۲۲).

۶- سِرّ اکبر یا سِرّ الاسرار، ترجمه پنجاه رساله اوپانیشاد^۱ از سنسکریت به زبان فارسی است که در سال ۱۰۶۷ ه.ق، به کمک شخصی به نام پندتان و سناسیان در دهلی فراهم آورده است. آنچه داراشکوه را به ترجمه اوپانیشادها سوق داده، همان شوقی است که وی پس از مصاحبت با ملاشاه به مسئله توحید و وحدت وجود یافت و در پی آن برآمد که علاوه بر قرآن، گمشده خود را در دیگر کتب دینی نیز بیابد: «نظر بر تورت و انجیل و زبور و دیگر صحف انداخت؛ اما بیان توحید در آنها مُجمل و مرموز بود...» (داراشکوه، مقدمه جلالی نائینی، ۱۳۹۰: چهار). و سرانجام پس از تحقیق در کتب دینی هند، مطلوب خود را در اوپانیشادها می‌یابد؛ چراکه «بر طبق تعلیمات اوپانیشادها، ذات مطلق، برهم است. برهم شامل کل پدیده‌ها می‌شود و درعین حال قابل توصیف نیست و حتی نمی‌توان آن را وجود یا عدم وجود خواند.» (همان: ۱۷).

۷- دیوان اشعار داراشکوه یا «اکسیر اعظم» که آن را در راستای عقاید قادریه و وحدت وجود سروده و در اشعار خود «قادری» تخلص کرده است. این مجموعه دربردارنده ابیات فرد، رباعیات و غزلیات است و «به ندرت در یک غزل آن، جلوه‌ای از ابتکار شعری به چشم می‌خورد و به‌طور کلی غزل او فاقد تأثیر شعر بزمی، احساس شاعرانه و تعالی دلپذیر است.»^۲ این اثر در سال ۱۳۶۴ به کوشش محمدحسین حیدریان به چاپ

1. Upanishad

2. Hasrat, B.J, (1982). Dara shikuh, pp 136-137

رسیده است.

۸- سؤال و جواب داراشکوه با «بابا لال داس» - یکی از فقرا و مجذوبان هندو- در باب بعضی مسائل.

۹- نامه‌های عرفانی داراشکوه به بعضی مشایخ وقت؛ از جمله نامه‌ای به شاه محمد دلربا و دیگر، خطاب به شاه محب‌الله‌الله آبادی که متضمن شانزده سؤال داراشکوه و پاسخ شاه محب‌الله است.

۱۰- کتاب *طریقه الحقیقه* یا رساله معارف که بعضی محققان آن را منتسب به داراشکوه داشته‌اند. یکی از دلایلی که انتساب این اثر را به داراشکوه محل تردید قرار می‌دهد آن است که «شیوه نگارش این رساله با روش ساده‌نویسی داراشکوه مبیانت دارد؛ زیرا نثر آن متصنع و متکلف است.» (ر.ک: تمیم‌داری، ۱۳۹۲: ۲۳۵).

۳-۱ معرفی کتاب *سفینه الاولیاء*

این کتاب تذکره‌ای است که به جهت تیمن و تبرک، با ذکر نسب و احوال رسول اکرم (ص) آغاز شده و سپس گزارش مختصری از احوال خلفای چهارگانه اهل سنت و پس از امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع)، امامان شیعه ذکر شده و سپس با طبقه‌بندی امهات فریق صوفیه، شرحی از احوال مشایخ هر گروه آمده است.

اطلاعاتی که از مطاوی این اثر درباره صوفیان هم‌عصر مؤلف، مشایخ فریق و زنان عالمه، همسران و دختران پیامبر می‌توان به دست آورد و همچنین ویژگی‌های این تصنیف در قلمرو سبک زبانی و بافت کلامی، بر اهمیت دستیابی آسان به آن و در نتیجه بر ضرورت تصحیح آن می‌افزاید.

از این اثر نسخه‌های متعدد خطی و سنگی در کتابخانه‌های ایران، هند، انگلستان و... موجود است و بنا به گفته ذبیح‌الله صفا، «این اثر چند بار به طبع رسیده، از آن جمله در ۱۲۶۹ هـ ق در آگره و در ۱۸۷۲ میلادی در لکهنو و در ۱۸۸۴ و ۱۹۰۰ [میلادی] در کانپور و در ۱۳۴۵ هـ ش به تصحیح سید محمدرضا جلالی نائینی در تهران.» (صفا، ۱۳۹۲: ۵/۱۷۶۷)؛ اما تصحیح جلالی نائینی - که مرحوم صفا از آن یاد کرده است - تاکنون به چاپ نرسیده و به نظر می‌رسد این لغزش تنها بر اساس سخنی است که جلالی نائینی در مقدمه خود بر *سکینه‌الاولیاء* بیان کرده و اظهار داشته که: «*سفینه‌الاولیاء* به کوشش راقم این سطور

۱۵۶ / معرفی نسخه‌های کتاب سفینه‌الاولیاء اثر داراشکوه و ضرورت تصحیح آن / محمودی و ...

از روی نسخه خطی منسوب به خط داراشکوه، با مقابل با نسخه‌های خطی دیگر تصحیح و چاپ شده است و به زودی انتشار خواهد یافت.» (داراشکوه، مقدمه جلالی نائینی، ۱۳۴۴: بیست و پنج).

در این پژوهش، سه نسخه خطی و یک نسخه چاپ سنگی این اثر را - که از جهت ثقت و سلامت درخور توجه‌اند - معرفی نموده، مختصات هر یک را برمی‌شماریم و سپس به بررسی کتاب سفینه‌الاولیاء در سه حیطة زبانی و نوشتاری، ادبی و محتوایی می‌پردازیم. در این بخش، نمونه‌ها، بر اساس نسخه موزه بریتانیا، با نشانه اختصاری «ب» و شماره صفحات بر اساس شماره ثبت شده روی صفحات نسخه است.

۲- معرفی نسخه‌های سفینه‌الاولیاء

۲-۱- نسخه کتابخانه مرعشی به شماره ۱۴۳۷۱

این نسخه که برگ آغازین آن افتاده و آثار آسیب در آن مشهود است، ۲۶۶ برگ و هر صفحه ۱۳ سطر دارد و به خط نستعلیق و شکسته کتابت شده است.

نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست و نام سلطان همایون که زمان جلوسش می‌توانست تعیین‌کننده سال کتابت نسخه باشد، به‌عمد با جوهر مخدوش شده و تاریخ ۱۰۳۸ ه.ق که برای کتابت این نسخه در فهرست‌های نسخ خطی ثبت شده نمی‌تواند صحیح باشد؛ چراکه پیش از زمان تألیف کتاب است.

۲-۱-۱ ویژگی‌های نسخه کتابخانه مرعشی

مهم‌ترین ویژگی‌های این نسخه را - از حیث کتابت و سبک زبانی - در ذیل برمی‌شماریم:
۲-۱-۱-۱ در متن نسخه اغلاط کتابتی بسیاری وجود دارد. گاه دندانه، نقطه یا یک حرف، اضافه یا کم شده است و یا واج‌های خویش‌آوا به جای یکدیگر به کار رفته‌اند. به جهت وفور از آوردن نمونه‌ها پرهیز می‌شود.

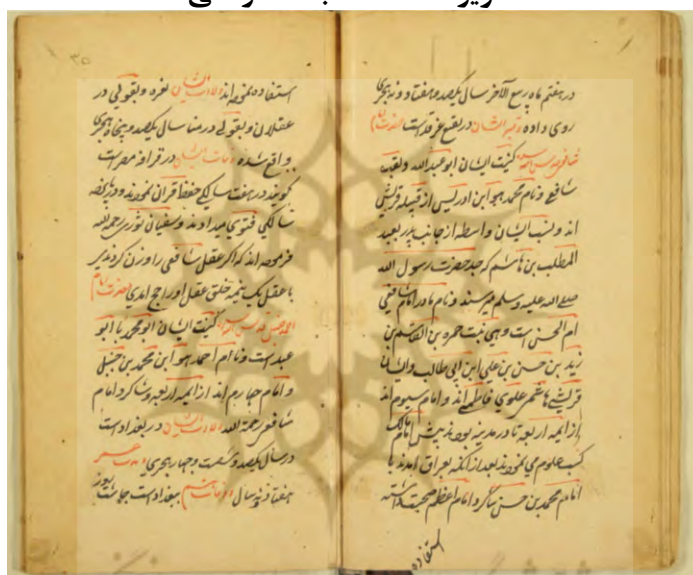
۲-۱-۱-۲ وجود غلط‌های املائی بسیار، به‌ویژه در واژه‌های هم‌آوا

- «مطبوع» به جای «متبوع»: از ولی خارق‌ی که مسموع است / معجز آن نبی مطبوع است (ص ۷۵)

- «نثار» به جای «نثار»: اینجا رحمت عظیم در نثار است. (ص ۶۹)

- «برخواست» به جای «برخواست»: برخواست و برفت. (ص ۴۴)
- ۳-۱-۱-۲ تصرف‌های زبانی و متنی کاتب
- در نسخه یادشده، جز در مواردی که کاتب سهواً عبارت یا بند یا صفحه‌ای را از قلم انداخته و یا در خواندن نام اشخاص یا اماکن ناآشنا به خطا رفته است، نشانه‌ای از تصرف آگاهانه کاتب در متن دیده نمی‌شود.

تصویر ۱: نسخه کتابخانه مرعشی



۲-۲ نسخه موزه بریتانیا (۱۱۳۹) به شماره ۲۲۴ or.

این نسخه که میکروفیلم آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ف-۱۴۹۱ موجود است، در سال ۱۱۳۹ ه.ق در ۲۰۱ برگ به خط نستعلیق کتابت شده و کاتب آن معلوم نیست.

۲-۲-۱ ویژگی‌های نسخه موزه بریتانیا

این نسخه نسبت به سایر نسخه‌ها از دقت بیشتری -چه در ضبط نام‌ها و اعلام و چه در املاي کلمات و رسم‌الخط- برخوردار است. بعضی ویژگی‌های این نسخه را -از حیث رسم‌الخط و سبک زبانی- برمی‌شماریم.

- ۲-۱-۱-۱ جابه‌جایی حروف و واج‌های خویش‌آوا
- در این نسخه، همواره حرف «گ» به شکل «ک» نوشته شده است: گردد (گردد)، چنک (چنگ)، انکشت (انگشت) و... (ص ۲۷)
- ۲-۱-۲-۲ واج‌های میانجی
- اغلب «ی» میانجی را پس از مصوت و به‌ویژه پیش از «ی» نکره و شناسهٔ دوم شخص نوشته است: به‌جای (جایی) رسید. (ص ۲۶)، چکوی (چه گویی) در نفس؟ (ص ۲۷)
- در کلمات پایان‌یافته به همزه، گاه همزه نوشته شده و اغلب حذف شده است؛ اما در صورت مضاف شدن، «ی» میانجی نیز گاه نوشته نشده است: اگر غوغا (غوغای) شما نبود... (ص ۲۷)
- اغلب میان شناسه (خلاصه شدهٔ فعل ربطی) و واژهٔ پیشین - حتی اگر به صامت ختم شده باشد - همزهٔ میانجی آمده است: صالح‌اند یا طالح‌اند (ص ۲۸)
- ۲-۱-۲-۳ پیوست و گسست اجزای واژه و جمله
- به‌رغم نسخه‌های مرعشی، گنج‌بخش و چاپ سنگی، نشانهٔ جمع «ها» جدا نوشته شده است:
- وند منفی ساز فعل در این نسخه جدا نگاشته نشده است: نهی (ص ۲۶)
- ۲-۱-۲-۴ تصحیف
- کاتب، واژه‌هایی را که نتوانسته است بخواند، تنها شکلی از آن واژه را رسم کرده است؛ مثل «هائکه» به‌جای «هائله» (ص ۷) و «لیسوی» به‌جای «یسوی» (ص ۶۱).
- ۲-۱-۲-۵ تصرف‌های زبانی و متنی کاتب
- در این نسخه، برخلاف دیگر نسخه‌ها، در آغاز اغلب جمله‌ها «واو استیناف» و «واو ربط» آمده است: و واقعهٔ هائلهٔ وفات آن حضرت... (ص ۷)
- در بسیاری از عبارات، آنجا که در نسخه‌های دیگر ضمیر و صفت اشارهٔ «این» آمده، در این نسخه «آن» به‌کاررفته است: آن دیو را گفت: ترا چه باعث شد که آن دختر را ربودی؟ (ص ۳۲)
- در این نسخه نیز می‌توان موارد بسیاری از جاافتادگی واژه، عبارت، بند و حتی چندین صفحه از متن یافت؛ چنان‌که مثلاً در ذیل عنوان غوث اعظم، عبدالقادر جیلی، چندین صفحه از متن جاافتاده (ص ۳۲) و گاه عباراتی یا سطوری به خطا تکرار شده است.

فصلنامه علمی ادبیات عرفانی، سال ۱۵، شماره ۳۲، بهار ۱۴۰۲ / ۱۵۹

(ص ۷) همچنین گاه در ضبط اعداد و نام‌ها نیز خطایی رفته است: شب هشتم، به جای شب بیست و هشتم. (ص ۷)، وفات (به جای ولادت) ایشان در سال چهارصد و چهل هجری بوده. (ص ۶۱)، جز این موارد سهوی، نشانی از تصرفات عمدی کاتب در متن یافته نمی‌شود.

تصویر ۲: نسخه کتابخانه بریتانیا



۲-۳ نسخه کتابخانه گنج بخش (۱۱۴۹)

این نسخه که با شماره بازیابی ۳۸۱۹/۱ در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد پاکستان نگهداری می‌شود، حاوی ۳۷۳ صفحه است که ۱۴ صفحه آغازین آن (از صفحه ۲ تا ۱۵) عبارت است از فهرست عناوین کتاب که در دو ستون تنظیم شده است.

پس از فهرست، آغازۀ نسخه؛ «الحمد لله رب العالمین و...» آمده و در انجامۀ نسخه، پس از عبارات پایانی مؤلف: «الحمد لله حمداً كثيراً دائماً ابداً»، کاتب نام و جای خود و تاریخ کتابت را بیان می‌کند: «قد تمّت الكتاب المسمی بالسقینة الاولیاء، به دست خاک پای اهل الله، عبدالرسول، ساکن موضع مل سیرا... سورپور، به تاریخ ۳ شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۴۹ از هجرت مقدسه.

۲-۳-۱ ویژگی‌های نسخه کتابخانه گنج بخش

۲-۳-۱-۱ ویژگی‌های رسم الخطی

۱۶۰ / معرفی نسخه‌های کتاب سفینه‌الاولیاء اثر داراشکوه و ضرورت تصحیح آن / محمودی و ...

- در کلماتی که همزه یا یاء میانجی به کار رفته، هم همزه و هم یاء نگاشته شده است: روئیم به جای رُویم (ص ۶۶)، بفرمائی به جای فعل امر بفرمای (ص ۷۱)، گاهی نیاز همزه کلمه در کتابت حذف شده است: قرات به جای قرائت (ص ۸۳).

۲-۱-۳-۲ پیوست و گسست اجزای واژه و جمله

- پیشوند منفی ساز و پیشوند التزامی فعل اغلب جدا نوشته شده است: «نه نهی» به جای «نهی» (ص ۶۸)، «به پذیرد» به جای «پذیرد» (ص ۲۳)

- اغلب میان شناسه (خلاصه شده فعل ربطی) و واژه پیشین - حتی اگر به صامت ختم شده باشد - همزه میانجی آمده است: صالح‌اند یا طالح‌اند (ص ۷۲)

۲-۱-۳-۳ جابه‌جایی واج‌های خویش آوا

- «ک» به جای «گ»: کریستن (ص ۶۸)

- «س» و «ش»: در موارد معدودی به جای حرف «س» با نقطه نوشته شده: «شی» به جای عدد «سی» (ص ۶۶ و ۶۷) اما در موارد بسیار حرف «ش» بدون نقطه آمده و چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، این ویژگی افزوده بر جنبه نوشتاری، می‌تواند نشان‌دهنده ویژگی آوایی زبان مؤلف باشد که به‌ویژه در این نسخه نسبت به سایر نسخ نمود یافته است: «پوسیده‌اند» به جای پوشیده‌اند (ص ۱۱۵)، «هستاد» به جای «هشتاد» (ص ۴۴)، «فُرسی» به جای «فُرسی» (ص ۳۲).

۲-۱-۳-۴ تصحیف

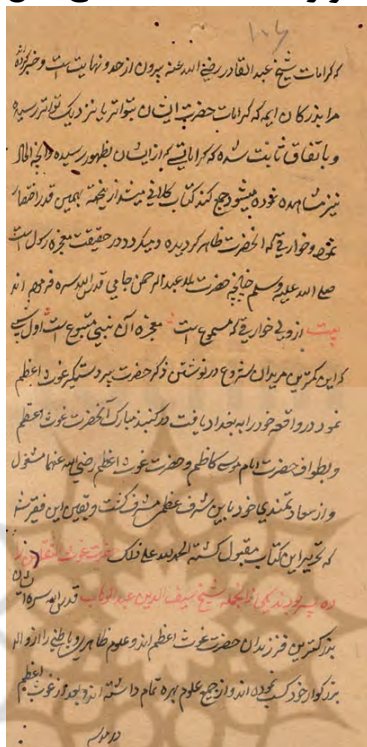
- در این نسخه واژه‌های ناخوانا و حتی فاقد معنی، نسبت به سه نسخه دیگر بسیار بیشتر است و هر جا که کاتب واژه‌های را در نیافته - به‌ویژه در نام‌ها - چیزی شبیه آن ترسیم کرده است: «شیخ علی الحناز» به جای «الخیار» (ص ۳۱۱)، «فضول سنه» به جای «فصول سته» (ص ۵۷)، «هبقان» به جای «جنیان» (ص ۷۹)، «نکنم» به جای «تکتتم» (ص ۴۶).

۲-۱-۳-۵ املاهای نادرست کلمات

۲-۱-۳-۶ تصرفات زبانی و متنی

- در این نسخه نیز واژه، عبارت و بخش‌های زیادی جاافتاده مثلاً: در صفحه ۷۲، پس از سطر دوم و در صفحه ۱۱۹ پس از سطر پنجم، یک سطر افتاده است.

تصویر ۳: نسخه کتابخانه گنج بخش



۲-۴ نسخه چاپ سنگی، به شماره مدرک (۱۱۷۹)

این نسخه در ۲۱۶ صفحه و هر صفحه ۲۳ سطر، به خط نستعلیق خوش، در سال ۱۸۴۰ م. در کاپنور طبع شده است.

۲-۴-۱ ویژگی های نسخه چاپ سنگی

۲-۴-۱-۱ با توجه به آن که زمان طبع این نسخه که به شیوه معاصر نزدیک تر است، بعضی ویژگی های رسم الخطی نسخه های پیشین در این نسخه دیده نمی شود و برخلاف سه نسخه پیشین، در این نسخه به املائی درست واژگان توجه شده و عبارات و جمله های مغشوش که در دیگر نسخه ها ناخوانا به نظر می آمد، در این نسخه پالوده و پرداخته شده و همچنین در کتابت شعرها، مصراع های ابیات با ستاره یا خط جدا شده و درهم تنیده نیست. (ص ۹۶)

- گاه نام جای ها و اشخاص که در نظر مستنسخ نا آشنا بوده، به غلط ضبط شده است: مثل

۱۶۲ / معرفی نسخه‌های کتاب سفینه‌الاولیاء اثر داراشکوه و ضرورت تصحیح آن / محمودی و ...

«سروشنبه» به جای «سروشنه» (ص ۳۹)، «وحیدالدین خجندی» به جای «وجیه‌الدین خجندی» (ص ۹۶)

۲-۴-۱-۲ تصرفات زبانی و متنی کاتب؛

- در این نسخه، نشانه‌های تصرفات کاتب بسیار بیشتر از سه نسخه دیگر دیده می‌شود؛ چنانکه در بسیاری عبارات، وجه جمله را از منفی به مثبت و برعکس تغییر داده است: «در صمت و مرض افطار می نمودند.» به جای «در صحت و مرض افطار نمی نمودند.» (ص ۹۶)

- گاه پیش از بعضی اسامی، عنوان یا لقبی افزوده شده؛ چنانکه اغلب پیش از نام جنید بغدادی، عنوان شاه آمده است: «حضرت شاه سید الطائفه» (ص ۳۷)

- همچنین، کاتب عنوان و شرح احوال «شیخ بشر مریسی» را خود بر این کتاب افزوده و در صفحه ۱۲۳- میان ابوسلیمان دارانی و فتح بن علی موصلی - پنج سطر در باب وی شرح داده است.

- در این نسخه نیز، گاه واژه، عبارت، جمله یا بخشی از متن جا افتاده است؛ مثلاً در صفحه ۸۱، ذیل عنوان «نظام‌الدین خاموش» شرح احوال وی حذف شده و به جای آن شرح احوال سعدالدین کاشغری، بدون ذکر نام - جایگزین گشته و به همین سیاق کاتب تا چندین صفحه به خطا رفته است. (ص ۱۶۸)

- گاه کاتب خطاهای مؤلف را اصلاح نموده؛ چنانکه نام «سلمان فارسی» که در سایر نسخه‌ها «سلیمان» آمده در این نسخه به درستی نگاشته شده است. (ص ۳۰) و گاهی نیز خود در ضبط بعضی نام‌ها به خطا رفته است: «امام موسی علی رضا» (ص ۲۶)

تصویر ۴: نسخه چاپ سنگی



۳- ویژگی‌های سفینه‌الاولیاء

کتاب سفینه‌الاولیاء از لحاظ ویژگی‌های سبکی زبانی و ادبی و نیز ساحت اندیشگانی نویسنده، می‌تواند نمایانگر تصویری از زمانه نویسنده باشد. از آنجاکه در تطبیق چند نسخه با فاصله زمانی، مواردی چون جابه‌جایی واج‌های خویش آوا و از این دست، مشترک بود، به نظر می‌رسد، این امر تنها به کتابت کاتب مربوط نباشد و نشانه یک ویژگی در دستگاه آوایی زبان مؤلف باشد. ویژگی‌های این اثر را در سه حیظه به تفکیک بررسی می‌کنیم:

۳-۱ ویژگی‌های زبانی و نوشتاری

شیوه نویسنده‌گی پارسی نویسان هند در قرن دهم و یازدهم، اغلب ساده‌نویسی است و چنانکه ذبیح‌الله صفا اشاره کرده است؛ «مثلاً در اثرهای داراشکوه که یکی از پارسی‌نویسان پرکار هند است، همه جا با نثری بی‌پیرایه برابریم... و این نشانه آموختگی او با آثار فارسی و با فارسی‌زبانان است.» (صفا، ۱۳۹۲: ۱۴۵۴/۵).

۳-۱-۱ به‌کارگیری واج‌های خویش آوا^۱ به‌جای یکدیگر

– گاه صامت «ب» به‌جای «پ» به‌کار رفته است؛ مانند: بادشاه به‌جای پادشاه (ب/۳۲) و

۱. قریب‌المخرج

اغلب- در آغاز واژه و به‌ویژه در پیشوند «بی»- واج «پ» به جای «ب» به کار رفته است: پی واسطه به جای بی واسطه (ب/۶۵)

- گاه صامت «ج» به جای «چ» به کار رفته است: سید حسن چیلی به جای جیلی (ب/۵۵)
- گاه صامت «د» به جای صامت «ذ» به کار رفته است: مرا به دست کاغدی (کاغذی) داده شد. (ب/۳۷)

چنین کاربردی را گاه می‌توان برخاسته از ویژگی‌های دستگاه آوایی فارسی‌زبانان هندی به شمار آورد و گاه می‌توان تنها یک ویژگی رسم‌الخطی شمرد؛ چنان که در کتابت بعضی واج‌ها و واژه‌ها نقطه‌گذاری رعایت نشده است. به عنوان مثال، حرف «ش» در بعضی کلمات بدون نقطه (س) نگاشته شده است: پوشیده به جای پوشیده (ب/۷۵)

۳-۱-۳ ویژگی‌های دستوری و ساختاری

- ترکیب‌سازی: صاحب سجاده (ب/۹۳)، رسالت پناه (ب/۳۹)، علاوه بر این ترکیب‌ها، در این اثر، مؤلف گاه دست به ترکیب‌سازی‌های غریب و مغلق نیز زده است: سیادت و نقابت پناه، فضایل و کمالات دستگاه، حقایق و معارف آگاه... (ب/۱۷۰)
- گاه نویسنده برای خود ضمیر جمع «ما» به کار می‌برد و فعل آن را مفرد می‌آورد: ما رحلت خواهم کرد. (ب/۱۶۵)
- غالباً نشانه نکره (ی) در پایان اسم به کار نرفته است: «فضیلت ظاهری بمرتبه (به مرتبه‌ای) داشتند که...» (ب/۵۶) - «هر ولی بر قدم نبی (نبی‌ای) می‌باشد. (ب/۳۶)
- در کلمات پایان یافته به تاء گرد (ة) - حتی اگر غیرملفوظ باشد - مصوت «ی» (اعم از یاء نکره، اسنادی و...) نگاشته نشده و یا شکل کوچک آن بالای کلمه آمده است: مترس که تو نیز از این جماعه (از این جماعتی) (ب/۴۶)
- جمع بستن معدود بعد از عدد: هر دو برادران (ب/۸۴)
- جدانویسی پیشوند امر و التزام «ب»: به پیچ و به بین (پیچ و بین) (ب/۳۵)

۳-۲ ویژگی‌های ادبی

از آنجاکه در این اثر گزارش‌گونه، مؤلف نیتی جز ثبت تواریخ رویدادهای زندگانی بزرگان دین و اهل تصوف - از آغاز تا انجام - و دسته‌بندی مهم‌ترین فرق صوفیه و یادکرد

بزرگان صوفیه در ذیل این فرقه‌ها نداشته است، نشانی از توجه به صورخیال در این متن دیده نمی‌شود و نه تنها بدیع معنوی، که صنعت پرداززی لفظی نیز در این اثر مورد اهتمام نویسنده نبوده است. تنها گاهی - مثلاً آنجا که القاب و عناوین عبدالقادر گیلانی یا استاد خود ملا میرک را برمی‌شمارد - به وجد آمده، لفظ پرداززی می‌کند و سجع و موازنه به کار می‌گیرد: «این فقیر، خود شنیده از سیادت و نقابت پناه، فضایل و کمالات دستگاه، حقایق و معارف آگاه، افضل فضایل عصر، علامی، فهامی، استادی، حضرت میرک شیخ بن شیخ فصیح‌الدین که می‌فرمودند...» (ب/۱۷۰)

از دیگر ویژگی‌های ادبی این متن می‌توان به استشهاد به آیات و ابیات در ضمن متن اشاره کرد؛ داراشکوه با ادبیات فارسی و اشعار شاعرانی چون: سنایی، نظامی، عطار، امیرخسرو، صائب تبریزی، شیخ محمود شبستری، جامی و... آشنایی داشته و خود متأثر از اشعار استادش - ملا شاه - بوده است (ر.ک: شیمیل، ۱۳۷۳: ۷۶). وی در کتاب خود ابیاتی از این شاعران را نقل می‌کند.

۳-۳ ویژگی‌های محتوایی

۳-۳-۱ محتوای کتاب

داراشکوه در آغاز سفینه‌ای که از احوال اولیاء گردآورده است، بر شیوه اغلب دبیران و مترسلان، مقدمه‌ای می‌نگارد در حمد پروردگار و منقبت رسول (ص) و پس از معرفی خود با عنوان «این فقیر حقیر» و ذکر مذهب و آیین خود، انگیزه‌اش را از تألیف این اثر بیان می‌کند؛ یکی آن که اطلاعاتی که از اولیاء و اهل تصوف در سایر کتب مندرج است خالی از اشکال نیست و دیگر آن که وی قصد دارد که شرح احوال این قوم را «سلسله در سلسله» قلمی کند و همین ویژگی است که اثر وی را از مهم‌ترین منبعش - نفعات الانس - متمایز می‌سازد. وی سپس ذیل «تمهید»ی - با استشهاد به آیات، روایات و ابیات - به بیان فایده وجود اولیاء در عالم می‌پردازد و در پی آن تفاوت اصناف گونه‌گون عرفا - چون اهل تجرید، ملامتیه و... - و طریقه ایشان را به اختصار شرح می‌دهد و بیانش را به کلام عرفا می‌آراید و از این منظر می‌توان صبغه‌ای از کشف‌المحجوب و رساله قشیریه را بر این تمهید مشاهده کرد.

وی در این تذکره دست کم از ۴۱۳ تن یاد می‌کند که می‌توان ایشان را از وجوه

مختلف دسته‌بندی کرد؛

۳-۳-۲ ترتیب عناوین کتاب

نویسنده، نوشتار خود را با بیان نسب پیامبر (ص) آغاز می‌کند و تا ۲۲ تن از اجداد ایشان را برمی‌شمارد و سپس به شرح احوال کودکی و جوانی و ازدواج و چگونگی مبعوث شدن و معجزات آن حضرت می‌پردازد و به وفات ایشان ختم می‌کند. سپس به شرح احوال خلفای راشدین پرداخته، روایات و اقوالی را در شأن آن‌ها شاهد می‌آورد و شمه‌ای از حوادث حیات ایشان را شرح می‌دهد و پس از امیرالمؤمنین علی (ع)، از امامان شیعه بر همان سیاق یاد می‌کند.

آنچه -به‌ویژه در این بخش از کتاب- درخور توجه و تأمل است، گستره دید نویسنده و دوری وی از شائبه تعصب و اغراض مذهبی است؛ چه این که به‌رغم تأکید خود بر حنفی مذهب بودنش، همواره از امامان شیعه با احترام و تکریم و با عنوان «امام» یاد می‌کند و این بی‌غرضی از کسی که حتی میان اسلام و هندو به دنبال وجوه اشتراک و یگانگی می‌گردد، چندان غریب نیست و به قول محمد استعلامی «راستی را باید گفت که مرغ روح این بزرگان، در بلندای آسمان معرفت پروازی دارد فراتر از این تعصب‌ها و بگومگوهای که مؤمنان هفتادودو ملت را به جان یکدیگر می‌اندازد.» (ر.ک: عطار، مقدمه استعلامی، ۱۳۷۸: بیست و دو).

پس از ذکر احوال امامان، داراشکوه به شرح حال ده تن می‌پردازد؛ سلمان فارسی، اویس قرنی، حسن بصری، قاسم بن محمد، ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی، احمد حنبل، ابویوسف و امام شیبانی. پس از این ۲۶ تن، شرح احوال اهل تصوف را به این ترتیب -سلسله در سلسله- می‌نویسد؛ قادریه (۳۹ تن)، نقشبندیه (۳۰ تن)، چشتیه (۲۶ تن)، کبرویه (۲۰ تن)، سهروردیه (۲۰ تن)، متفرقه (۲۱۸ تن) همسران و دختران پیامبر (۱۵ تن)، و زنان صوفی (۱۹ تن).

۳-۳-۳ دسته‌بندی یادشدگان از منظری دیگر

یک آنان که داراشکوه تنها به واسطه نزدیکی و نسبتی به پیامبر (ص) از ایشان یاد کرده است؛ همچون همسران و بعضی دختران ایشان، سلمان فارسی و..

دو) بزرگان مذاهب و علمای دینی و فلسفی؛ همچون امام مالک، امام محمد غزالی و... (سه) اعظم صوفیه که صاحب سبک و طریقه‌ای هستند و در اغلب تذکرهاى صوفیه معروف و مشهورند؛ همچون بایزید بسطامی، ابوسعید ابوالخیر، جنید بغدادی و... (چهار) مشایخ متوسطة سلسله‌های صوفیه که در بعضی تذکرها - چون نفحات الانس جامی - از ایشان یاد شده؛ همچون ابوعبدالله خفیف، ابوعلی رودباری و... (پنج) مهم‌ترین بخش از سفینه‌الاولیاء اختصاص دارد به آن دسته از اهل تصوف که داراشکوه یا با ایشان معاصر بوده و خود به دیدارشان رفته یا سخنی و واقعه‌ای با واسطه از ایشان شنیده و اغلب در امهات تذکرهاى صوفیه یاد کردی از ایشان دیده نمی‌شود؛ در تطبیق نام‌های یادشده در چهار مرجع مهم نویسنده: تذکرة الاولیاء، کشف‌المحجوب، رشحات عین‌الحیات و نفحات الانس، با سفینه‌الاولیاء، نام قریب به صد تن در هیچ‌یک از آن مآخذ دیده نمی‌شود. از جمله این افراد می‌توان به شیخ میان‌میر، شیخ اوهن جونپوری، سلیم فتحپوری، وجیه‌الدین گجراتی، داود چهنی وال، نظام نارنولی و... اشاره کرد. داراشکوه در بخش مجزایی که - به شیوة طبقات سلمی - به ذکر نساء العارفات اختصاص داده، از نوزده تن یاد می‌کند که بعضی - چون رابعة عدویه - معروف و مشهورند و بعضی - چون ام محمد، عمه عبدالقادر گیلانی - مورد توجه نبوده‌اند. ذکر نام این عارفات، به ترتیب زمانی از صدر اسلام (زایده، کنیز عمر خطاب، تا قرن ششم (فاطمه دختر نصر بن عطار) پیش آمده و در قرن ششم متوقف شده و سرانجام داراشکوه شرحی از احوال بی‌بی جمال خاتون - خواهر میان‌میر - را که معاصر وی است و تا زمان تألیف کتاب (۱۰۴۹ ه.ق) نیز زنده بوده نقل کرده است.

۳-۳-۴ منابع مورد استفاده داراشکوه در سفینه‌الاولیاء

نویسنده در این اثر، دست کم از ۴۵ کتاب یا رساله یاد کرده و ضمن امانتداری، هر جا که از کتابی نقل قول کرده، به آن ارجاع داده است. از مهم‌ترین منابع مؤلف در این اثر، می‌توان به طبقات الصوفیه سلمی، رساله قشیری، فتوحات مکیه، فصوص الحکم، کشف‌المحجوب، شواهد النبوه، تاریخ یافعی، تحفة العراقین، اصطلاحات الصوفیه کاشانی، اخبار الاخیار، محاسن الاخیار و ملفوظات صوفیه از جمله؛ جلاء الخاطر (ملفوظ عبدالقادر گیلانی)، ملفوظ گنج‌شکر و... اشاره کرد.

در این میان، مهم‌ترین منبع و مرجع نویسنده - به‌ویژه در تراجم احوال متأخران - کتاب نفحات الانس جامی است که در شرح حال قریب به ۲۲۵ تن از اهل تصوف به آن نظر داشته است. همچنین میان سفینه‌الاولیاء و هر یک از کتاب‌های کشف‌المحجوب و تذکرةالاولیاء نیز، نام ۶۸ تن مشترک است. از دیگر منابع مهم داراشکوه، کتاب رشحات عین‌الحیات است که در شرح احوال ۲۱ تن از خواجه‌های بزرگوار (نقشبندیه) از آن بهره جسته است. برای تبیین شیوه بیان نویسنده سفینه‌الاولیاء و صاحبان تذکرةالاولیاء، کشف‌المحجوب و نفحات الانس، نمونه‌ای از متن این آثار را درباره «معروف کرخی» ذکر می‌کنیم:

- کشف‌المحجوب:

«... و منهم، متعلق درگاه رضا و پرورده علی بن موسی الرضا، ابومحفوظ معروف بن فیروز الکرخی، ... اندر ابتدا بیگانه بودست و بر دست علی بن موسی الرضا اسلام آورد و بنزدیک وی سخت عزیز و ستوده بودست.» (هجویری، ۱۳۸۰: ۱۴۱).

- تذکرةالاولیاء:

«آن همدم نسیم وصال، آن محرم حریم جلال، آن مقتدای صدر طریقت، آن رهنمای راه طریقت، آن عارف اسرار شیخی، قطب وقت، معروف کرخی... مادر و پدرش ترسا بودند، چون بر معلم فرستادندش، استاد گفت: «بگو ثالث ثلاثه.» گفت: «نه، بل هو الله الواحد.» هرچند استاد می‌زدش سودی نداشت... وی برفت و به دست علی بن موسی الرضا مسلمان شد.» (عطار، ۱۳۸۷: ۲۸۱)

- نفحات الانس:

«از طبقه اولی است و از قدمای مشایخ، استاد سرتی سقطنی و غیر او، و کنیت وی ابومحفوظ است. نام پدر وی فیروز، و بعضی گفته‌اند فیروزان. و بعضی گفته‌اند معروف بن علی الکرخی. پدر وی مولی بوده، دربان امام علی بن موسی الرضا (رض) و گویند بر دست وی مسلمان شده بود.» (جامی، ۱۳۸۶: ۳۵)

- سفینه‌الاولیاء:

«کنیت ایشان ابومحفوظ است و نام پدر ایشان فیروز و به قولی فیروزان. و بعضی گفته‌اند: «معروف بن علی الکرخی». و با والدین بر دین ترسا بودند، بر دست امام علی بن موسی الرضا - رضی الله عنه - مسلمان شدند و در مذهب امام اعظم بودند و حضرت امام را به

ایشان کمال عنایت و محبت بوده و آنچه یافته‌اند، از تربیت و برکت خدمت امام رضا - رضی الله عنه - بوده و در بانی امام می‌کرده‌اند.» (داراشکوه، ۱۰۴۹. ق، ۲۴/الف)

در باره بهره‌گیری داراشکوه از این آثار، نکاتی قابل ذکر است؛

- نویسنده نفعات الانس، در ذکر نام عرفا و شرح احوال ایشان، به طبقه ایشان نظر داشته و در آغاز معرفی، ذکر کرده که از طبقه اولی، ثانیه و... است؛ حال آنکه در سفینه الاولیاء چنین تفکیکی روی نداده است؛ اما در سفینه الاولیاء نام مشایخ در سلسله و طریقه ایشان دسته‌بندی شده و در نفعات الانس چنین تفکیکی روی نداده است.

- سبک زبانی داراشکوه، -از حیث سادگی عبارات- به نویسنده نفعات نزدیک‌تر است؛ اما در نفعات کاربرد واژگان و عبارات عربی بیشتر است؛ چه این که ایام و شهور و سنوات به عبارت عربی ذکر شده است.

- داراشکوه، در بهره‌گیری از کشف‌المحجوب، علاوه بر اطلاعاتی که درباره مشایخ به دست آورده، به تعبیر و تفسیر نویسنده این اثر از اصطلاحات عرفانی و عقاید و دیدگاه‌های وی نیز توجه داشته است؛ چنان که مثلاً در تعریف «صحو و سُکر» چندین بار به کشف‌المحجوب اشاره کرده و دیدگاه هجویری را ذکر کرده است:

«و ایشان صاحب صحو بودند چنانچه در این باب می‌فرمایند: «شیخ من جنیدی مذهب بود و می‌گفت که سکر بازیگاه کودکان است و صحو فناگاه مردان، و من که علی بن عثمان الجلابی‌ام، بر موافقت شیخ خودام.» (۱۴۰/ب).

بیان عاطفی یا ارجاعی

با نگاهی اجمالی به شیوه بیان عطار نیشابوری در تذکرة الاولیاء و داراشکوه در سفینه الاولیاء می‌توان به تفاوت رویکرد دو نویسنده از دو برهه از تاریخ تصوف و دو اقلیم مختلف پی برد؛ یکی از خراسان در قرن ششم و آغاز هفتم هجری و یکی از هند در قرن یازدهم هجری. در تذکرة الاولیاء، عطار بیش از آن که اهتمام بر گزارش وقایع اتفاقیه زندگی عرفا داشته باشد، بر شرح احوال درونی و ذکر اقوال شطح‌گونه ایشان همت گماشته است و وجه اقناعی‌حالاتی که از ایشان نقل می‌کند، بر جنبه اثباتی آن غلبه دارد و گزاره‌های عاطفی بر گزاره‌های ارجاعی می‌چربند؛ اما در سفینه الاولیاء، نقطه عزیمت داراشکوه -در باره اغلب صوفیان- ذکر تاریخ ولادت وقایع مهم زندگانی و وفات و مزار صوفیه است و تنها درباره

معدودی از ایشان از این سطح فراتر رفته و می‌توان نشانه‌هایی از کرامات و خوارق عادات و فراسات و شطحیات و... را در این متن مشاهده کرد. هرچند که به گفته دکتر شفیع کدکنی -حتی در حسنات‌العارفین که مجموعه شطحیات است- «شطح‌هایی که وی (داراشکوه) از معاصران خود آورده، از بی‌رمق‌ترین و سست‌ترین عباراتی است که ممکن است بر زبان کسی جاری شود!» (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۲۵). چه این که اساساً «در ایران و هند در عصر تیموری و صفوی و قاجاری، زبان تصوف روی به ضعف دارد.» (همان: ۲۶۱).

داراشکوه در نقاطی از کتاب، دست از گزارش کسالت‌بار ولادت و وفات اشخاص می‌کشد و ماجراهایی از کرامات ایشان نقل می‌کند؛ از جمله درباره شیخ عبدالقادر گیلانی که بیش از هر شیخ دیگری به شرح احوال او پرداخته و در جای جای کتاب خود، به هر بهانه‌ای از او یاد کرده است.

علاوه بر ذکر کرامات، از نشانه‌های دیگر که می‌تواند اثر داراشکوه را به آثار صوفیه نزدیک کند، گزارش‌های متعددی است که از خواب‌های خود و دیگران آورده و به‌ویژه خواب‌های خود را اغلب ملاک تصمیم و تشخیص صواب از ناصواب و دریافت جایگاه و موقعیت خود و دیگران قرار داده است: «و این حقیر در خواب، به سعادت ملازمت خلفای راشدین -رضی‌الله‌عنهم اجمعین- مشرف گشته؛ چنانچه شبی در خواب می‌بیند که چهار کس به لباس سفید، بزرگانه متعاقب یکدیگر می‌روند، فقیر از شخصی پرسید که: آن‌ها چه کسانی هستند؟ گفت: چهار یار پیغمبراند -صلی‌الله‌علیه و سلم-، فقیر از عقب ایشان روان گشت و ایشان از دریا گذشته، بر کوهی که بسیار بلند بود برآمدند...» (ب/۱۲)

۴- دلایل ضرورت تصحیح سفینه‌الاولیاء

با توجه به آن که از سفینه‌الاولیاء نسخه تصحیح و چاپ‌شده‌ای به زبان فارسی موجود نیست، تصحیح و تحشیه این اثر به دلایل زیر لازم می‌نماید؛

- سفینه‌الاولیاء نخستین، مفصل‌ترین و جامع‌ترین اثر داراشکوه است که می‌تواند آینه تمام‌نمایی از ویژگی‌های سبکی، زبان و اندیشه نویسنده باشد و پژوهندگان حوزه زبان و ادبیات فارسی را -به‌ویژه در شبه‌قاره- یاری کند.
- با توجه به تبویب و طبقه‌بندی این تذکره بر اساس فرقه‌های مهم صوفیه در این اثر،

می‌توان به سهولت به گرایش مشایخ صوفیه به هر یک از فرق و نحل دست یافت.
- در این تذکره از عرفایی یاد شده است که نام ایشان در هیچ‌یک از امهات آثار صوفیه
-چه از متقدمین و چه از معاصرین نویسنده- ذکر نشده و در این کتاب می‌توان درباره
ایشان آگاهی‌هایی به دست آورد.

۵- نتیجه‌گیری

محمد داراشکوه، فرزند شاه جهان بابر، شاعر، ادیب، هنرمند و پژوهشگر قرن ۱۱ ه.ق در هند است که از وی آثار متعددی در حوزه تصوف برجای مانده است. نخستین اثر وی کتاب «سفیئة الاولیاء» تذکره‌ای مفصل در شرح احوال پیامبر (ص)، خلفای راشدین، امامان شیعه، بعضی علمای مذاهب کلامی، فیلسوفان و متصوفه است که تألیف آن در سال ۱۰۴۹ ه.ق به انجام رسیده است.

از دلایل اهمیت این کتاب؛ یکی وسعت و فسحت و شمول آن بر اصناف گونه‌گون مذهبی و فرق و نحل صوفیه است و دیگر، شیوه طبقه‌بندی نویسنده که اهل تصوف را در ذیل عناوین: قادریه (۳۹ تن)، نقشبندیه (۳۰ تن)، چشتیه (۲۶ تن)، کبرویه (۲۰ تن)، سهروردیه (۲۰ تن)، متفرقه (۲۱۸ تن) همسران و دختران پیامبر (۱۵ تن)، و زنان صوفی (۱۹ تن) جای داده است.

دیگر آن‌که این اثر دربردارنده اطلاعاتی درباره بعضی عرفا و صوفیان گم‌نام یا نامشهور متقدم یا معاصر نویسنده-به‌ویژه در هند، کشمیر، لاهور و... است که این اثر را از جهت مطالعات تاریخی ممتاز می‌سازد.

از منظر زبانی و ادبی-با توجه به سبک غالب آثار منشور به‌ویژه در هند- نمی‌توان امتیازی برای این اثر و حتی سایر آثار قلمی داراشکوه قائل شد؛ چه این که سبک نگارش وی، بر ساده‌نویسی و مبتنی بر زبان ارجاعی است و به‌ندرت می‌توان نشانی از آرایه‌های لفظی و معنوی در کلام وی یافت.

از سفیئة الاولیاء نسخه‌های خطی و سنگی متعددی در کتابخانه‌های ایران، لندن، هند، پاکستان و.. موجود است؛ از جمله نسخه کتابخانه مرعشی به شماره ۱۴۳۷۱، نسخه کتابخانه بریتانیا به شماره OF.224، نسخه کتابخانه گنج‌بخش پاکستان به شماره ۱۱۴۹ و نسخه چاپ سنگی به شماره ۱۱۷۹. در مقایسه این نسخه‌ها تفاوت‌های مختصری در شیوه کتابت،

۱۷۲ / معرفی نسخه‌های کتاب سفینه‌الاولیاء اثر داراشکوه و ضرورت تصحیح آن / محمودی و ...

کاربرد القاب و عناوین و... دیده شد و همچنین هیچ‌یک از این نسخ از خطا و لغزش و به‌ویژه افتادگی واژه یا عبارات به دور نبود؛ اما در نگاه کلی تفاوت فاحش یا تأثیرگذاری میان این نسخه‌ها دیده نشد.

کتاب سفینه‌الاولیاء به زبان اردو ترجمه و چاپ شده است و محمدرضا جلالی نائینی در مقدمه‌اش بر کتاب سکینه‌الاولیاء اشاره کرده که کتاب سفینه‌الاولیاء را نیز تصحیح نموده؛ اما تاکنون این کتاب در ایران به چاپ نرسیده است. با توجه به اهمیت و جایگاه داراشکوه به‌عنوان ادیب و پژوهشگر عرفان و ادب فارسی و با توجه به اهمیت کتاب سفینه‌الاولیاء از جهت اطلاعات مهم آن در حوزه تاریخ تصوف، تصحیح و تحشیه این اثر ضرورت می‌یابد.

منابع

- ابراهیم، علی‌رضا. (۱۳۹۸). «داراشکوه»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، چ پنجم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۹۲). *عرفان و ادب در عصر صفوی*، ویرایش دوم، تهران: حکمت.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۸۶). *نقحات الانس*، تصحیح محمود عابدی، چ پنجم، تهران: سخن.
- جعفری، حسین علی و دهقانی‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۹). *زندگی‌نامه، اندیشه و آثار محمد داراشکوه*، تهران: حکمت و عرفان.
- جهانبخش، جويا. (۱۳۷۸). *راهنمای تصحیح متون*، چ سوم، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- حجتی، حمیده. (۱۳۸۰). «داراشکوه»، *دانشنامه ادب فارسی*، به سرپرستی حسن انوشه، ج ۴، تهران: طبع و نشر.
- داراشکوه، محمد. (۱۳۹۰). *اویانیشاد (سرآکبر)*، مقدمه تارا چند و محمدرضا جلالی نائینی، چ پنجم، تهران: انتشارات علمی.
- همان، (۱۳۴۴). *سکینه‌الاولیاء*، به کوشش تارا چند و سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- همان، (۱۳۳۵). *منتخبات آثار محمد داراشکوه*، به کوشش سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران: تابان.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۴). *آیین هند و عرفان اسلامی (بر اساس مجمع‌البحرین)*، ترجمه جمشید

فصلنامه علمی ادبیات عرفانی، سال ۱۵، شماره ۳۲، بهار ۱۴۰۲ / ۱۷۳

ارجمند، چ دوم، تهران: نشر و پژوهش فرزاد.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *زبان شعر در نشر صوفیه*، تهران: سخن.

شیمل، آنه ماری. (۱۳۷۳). *ادبیات اسلامی هند*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.

صفا، ذبیح الله. (۱۳۹۲). *تاریخ ادبیات در ایران*، ج پنجم، چ نهم، تهران: فردوس.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۸۷). *تذکره الاولیاء*، تصحیح محمد استعلامی، چ هجدهم،

تهران: زوآر.

فهرستگان نسخ خطی (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)

<https://scripts.nlai.ir>

کاشفی، علی بن حسین واعظ. (۱۳۵۶) (۲۵۳۶ شاهنشاهی)، *رشحات عین الحیات*، تصحیح علی

اصغر معینیان، تهران: چاپخانه خرمی.

لاهوری، یمین خان. (۱۹۷۱ م). *تاریخ شعر و سخنوران فارسی در لاهور*، کراچی: نیشنل پبلشنگ.

نوشاهی، عارف. (۱۳۸۵). «محمد داراشکوه» در مجموعه مقالات *آشنایان ره عشق*، زیر نظر نصرالله

پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

هجویری، علی بن عثمان. (۱۳۸۰). *کشف المحجوب*، تصحیح ژوکوفسکی، چ هفتم، تهران:

انتشارات طهوری.

Hasrat, Bikrama Jit, (1982). *Dara Shikuh: Life and Works*, New Dehli: Munshiram.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Ebrahim, Ali-Reza. (2018). "Darashikoh", *Great Islamic Encyclopaedia*, by Kazem Mousavi - Bojnourdi, fifth edition, Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia.
- Tamim Dari, Ahmad. (2012). *Mysticism and literature in the Safavid era*, second edition, Tehran: Hikmat.
- Jami, Nuruddin Abdurrahman. (2007). *Nafahat – Al- Ons*, by Mahmoud Abedi, fifth edition, Tehran: Sokhan.
- Jafari, Hossein- Ali and Dehghanizadeh, Mohammad-reza. (2019). *Biography, thoughts and works of Mohammad Darashikoh*, Tehran: Hikmat and Irfan.
- Jahanbakhsh, Jouya. (1999). *Text correction guide*, third edition, Tehran: Written Heritage Publishing House.
- Hojjati, Hamideh. (2001). "Darashikoh", *Encyclopedia of Persian literature*, by Hasan Anousheh, Vol. 4, Tehran: Taba' and Nashr.
- Darashikoh, Mohammad. (2011). *Upanishad* (Serr- e- Akbar), Introduction by Tara Chand and Mohammad- Reza Jalali Naini, fifth edition, Tehran: Scientific Publications.
- Darashikoh, Mohammad. (1965). *Sakinat-al-Aulia*, by Tara Chand and Seyyed Mohammad Reza Jalali Naini, Tehran: Scientific Press Institute.
- Darashikoh, Mohammad. (1956). *Selected works of Mohammad Darashkoh*, by Seyyed Mohammad Reza Jalali Naini, Tehran: Taban.
- Shaygan, Dariush. (2005). *Indian religion and Islamic mysticism* (based on Majma'-Al- Bahrain), translated by Jamshid Arjomand, second edition, Tehran: Farzan publishing and research.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad- Reza. (2012). *The language of poetry in Sufi's texts*, Tehran: Sokhn.
- Schimmel, Anne Marie. (1994). *Islamic literature of India*, translated by Yaqub Azhand, Tehran: Amir Kabir.
- Safa, Zabihullah. (2012). *History of literature in Iran*, fifth volume, ninth edition, Tehran: Ferdous.
- Attar Neishabouri, Fariduddin Mohammad. (1387). *Tadzkirat-al-Auliya*, by Mohammad Iste'lami, 18th edition, Tehran: Zavar.
- Kashefi, Ali ibn Hossein Waez. (1977). *Rashahaat Ain al-Hayat*, edited by Ali Asghar Moinian, Tehran: Khorrami Publisher.
- Lahori, Yamin Khan. (1971). *History of Persian poetry and speakers in Lahore*, Karachi: National Publishing.
- Naushahi, Aref. (2006). "Mohammed Darashikoh" in the *Collection of essays of acquaintances of Love*, by Nasrullah Pourjavadi, Tehran: Academic Publishing Center.
- Hojwiri, Ali ibn Othman. (2001). *Kashf al-Mahjub*, by Zhukovsky, seventh edition, Tehran: Tahouri Publications.
- <https://scripts.nlai.ir>. (*Organization of Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran*)



Introducing Manuscripts of *Safinat-ul-Auliya* by Dara Shikoh and the Necessity of Editing It¹

Fatemeh Mahmoudi²
Maryam Hosseini³

Received: 2022/06/01
Accepted: 2022/09/04

Abstract

Safinat-ul-Auliya is one of the most important hagiographies by Muhammad Dara Shikoh (1024-1069 A.H.), which contains detailed information about Sufism and its sects and practices, from the beginning of its creation to the age of the author; which is of great importance in historical Sufi studies. Several manuscripts and one lithographic version of this work have been obtained which have not been compared, verified, and corrected yet. This book, which has not been published yet, is of great importance due to the fact that it contains historical information about Sufism, especially first-hand information about some of the author's Sufi contemporaries, the author's viewpoint and approach in the classification of Sufism, linguistic considerations, and other aspects. Accordingly, it is necessary to present a critical edition along with tables and annotations concerning the content of the book. In this study, in addition to introducing the existing manuscripts of the book *Safinat-ul-Auliya*, a number of linguistic, literary, content-related, and calligraphic features of the work, as well as the reasons for the necessity of editing the book have been discussed.

Keywords: Mystical texts, Hagiography, Critical editing of the text, Manuscript, Dara Shikoh, *Safinat-ul-Auliya*.

1. DOI: 10.22051/jml.2022.41191.2377

2. Ph.D. student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran f.mahmoudi@alzahra.ac.ir

3. Professor of Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding author): drhoseini@alzahra.ac.ir